

10 مورد از ویژگی های کارآفرین

از خیلی وقت پیش احساساتی درونم را به چالش وا داشته است. وضعیت موجود را رضایت بخش نمی بینم و مدام این فکر مرا به این امر وا می دارد که تغییراتی در کارم ایجاد کنم. احساس می کنم نیرویی در وجودم است که می توانم تحولاتی جدی در شغلم ایجاد کنم و در نتیجه خودم دست به کاری بزنم که دلخواهم است. فکر می کنم می توانم کارآفرین شوم، اما نمی دانم به لحاظ علمی و تجربی شرایطش را دارم یا نه و اگر هم داشته باشم نمی دانم چه باید بکنم.

در کتاب های کارآفرینی، کارآفرین بودن به معنای در هم آمیختن ویژگی های شخصی، ابزار مالی و منابع موجود در محیط کار است. دانشمندان علوم از انسانی معتقدند بسیاری از ویژگی های شخصی را می توان پرورش داد و به کمک آن در کسب و کار به موفقیت دست یافت. کارآفرین بودن یعنی، توانا بودن در کشف و ارزیابی فرصت ها، جمع آوری منابع لازم و عمل کردن به گونه ای که از فرصت بهره برداری شود. کارآفرین هدایت کننده است و باید در اجرای اکثر فعالیت های خود از صفت رهبری برخوردار باشد. او به طرزی حساب شده ریسک می کند و از دست زدن به کارهای بزرگ و کم خطر لذت می برد ولی هیچ گاه بی گذار به آب نمی زند.

اغلب کتاب های مربوط به کارآفرینی، 10 مورد زیر را از ویژگی های درونی یک کارآفرین تلقی می کنند: مرکز کنترل درونی، استقلال طلبی، نیاز به کامیابی، مخاطره پذیری، آینده نگری، خلاقیت و نوآوری، خوش بینی، تحمل ابهام، تحمل شکست و توانایی ساخت تیم های کاری که در زیر به هریک از آنها پرداخته می شود:

1 - مرکز کنترل درونی: نگرانی مهمی که اکثر مردم هنگام تشکیل یک فعالیت کارآفرینانه نوپا با آن مواجه می شوند این است که آیا انگیزه و توان لازم را نه تنها برای شکل دادن اولیه سازمان جدید، بلکه برای اداره و رشد آن دارا هستند یا خیر؟ افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع بیرونی که خارج از کنترل آنها است سرنوشت شان را تعیین می کند. به عبارت دیگر، کارآفرینان موفق به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال یا نیروهای مشابه نسبت نمی دهند. به عقیده آنها شکست ها و پیشرفت ها تحت کنترل و نفوذ آنها بوده و خود را در نتایج عملکردهایشان موثر می دانند.

2 - استقلال طلبی: رییس خود بودن یکی از قوی ترین نیازهای فرد کارآفرین است. او می خواهد کارها را به شیوه خود و برای خود انجام دهد و کار کردن برای دیگران برای او سخت است. در واقع نیاز به استقلال، عاملی است که سبب می شود تا کارآفرینان به اهداف و رویاهای خود دست یابند. بیزاری آنها از نظام خشک دیوان سالاری با تعهد خالصانه در قبال ایجاد تغییر، به شخصیت استقلال طلب آنها که می خواهند همه چیز را به شیوه خود انجام دهند، اضافه می شود.

3 - نیاز به کامیابی: کارآفرینان با انگیزه و مهارت خود دست به رقابت می زنند و سعی می کنند از عهده کاری که بر روی آن وقت و انرژی خود را متمرکز کرده اند به درستی برآیند. تمایل به انجام کار در استانداردهای مالی جهت پیشی گرفتن از رقبا را دارند و حتی می کوشند که استانداردها را خود تعیین کنند. زیرا افرادی که استانداردها را در هر حرفه ای تعیین می کنند همیشه بر بازار حاکم و مسلط هستند.

4 - مخاطره پذیری: از ویژگی های بارز کارآفرین خطر کردن و ریسک پذیری است. خطری که ممکن است مالی، روانی و حتی اجتماعی باشد. البته برخلاف مردم عادی، کارآفرین خطر قمارگونه نمی کند، بلکه با ارزیابی دقیق و حساب شده از میزان مخاطره تصمیم می گیرد و پس از آن برای دستیابی به نتیجه مطلوب از هیچ کاری فروگذار نمی کند. افراد کارآفرین با اختصاص انرژی و زمان زیاد همیشه از موضوع بزرگ بعدی حمایت و پشتیبانی می کنند، در صورتی که افراد دیگر از باقی ماندن در شهرت و افتخار خرسند می شوند. «هاینر» در سال 1990 نشان داد که کارآفرینان موفق کمتر از مدیران از مخاطره پرهیز می کنند، فرق آنها با مدیران در این است که مدیران خانه ای می سازند و سعی در نگهداری آن خانه دارند و به همین دلیل تهدیدگرا و محافظه کارند و تلاش می کنند وضعیت موجود را حفظ کنند، اما کارآفرینان

همواره در پی ساختن خانه‌ای جدید هستند و به همین جهت فرصت‌گرا، انعطاف‌پذیر و اهل ریسک هستند.

5- آینده‌نگری: کارآفرینان می‌دانند به کجا می‌خواهند بروند. آنها تصور و دیدگاهی از آینده سازمان خود دارند. البته بسیاری اوقات این تصور از ابتدا وجود ندارد و در طی زمان شکل می‌گیرد که شرکت چه است و چه می‌تواند باشد، گرچه کارآفرین ممکن است مجبور به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و مقطعی باشد، ولی داشتن چنین دیدگاهی می‌تواند این برنامه‌های کوتاه‌مدت را در یک جهت برای رسیدن به هدف هماهنگ سازد.

6- خلاقیت و نوآوری: بدون شک نوآوری مهم‌ترین ویژگی کارآفرین است. خلاقیت، توانایی گسترش ایده‌های جدید و کشف راه‌های جدید با نگاه به مسائل و مشکلات و فرصت‌ها است. خلاقیت اغلب قرار دادن چیزهای قدیمی در کنار یکدیگر برای راه‌های جدید و حذف زواید نظر و خلق چیزی ساده‌تر و بهتر است. نوآوری توانایی به کار بردن راه‌حل‌های خلاق برای مسائل، مشکلات و فرصت‌ها است. به تعبیری دیگر نوآوری، عملی ساختن محصول یا خدمت از ایده‌ای خلاق است. کارآفرینی نتیجه فرآیند سازمان یافته و منظمی است که خلاقیت و نوآوری را به نیازمندی‌ها و فرصت‌ها در بازار پیوند می‌دهد یا به عبارت دیگر با به‌کارگیری استراتژی متمرکز برای یک ایده جدید، سعی می‌کند که یک محصول یا یک سری خدمات را خلق کند که هدفی جز رضایت مشتریان ندارد و در نهایت به سوددهی می‌رسد.

7. خوش‌بینی: کارآفرین اغلب با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و ممکن است که در ادامه کار خود دچار تردید و تزلزل شود، ولی در طول این دوره آنان با اعتمادی که به خود دارد در حل این مشکل تلاش می‌کند. این حس باعث می‌شود که دیگران نسبت به خلاقیت و نوآوری خوش‌بین باشند و حس اطمینان در گروه پدید آید.

8. تحمل ابهام: قدرت تحمل ابهام یعنی پذیرفتن عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی. کارآفرینان بدون اینکه احساس تهدید یا ناراحتی کنند، قادرند به طور اثربخش با شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص و غیرقطعی، سازمان نیافته و غیرشفاف روبه‌رو شوند و ضمن رفع ابهامات، آنها را به نفع خود تغییر دهند.

9. تحمل شکست: برای کارآفرین، شکست یک تجربه جدید است. اشتباه و تکرار آزمایش، انسان را به موفقیت‌های بزرگ نزدیک‌تر می‌کند. فرد کارآفرین، با واقع‌بینی شکست را تحمل می‌کند، ناامید، دلسرد و افسرده نمی‌شود. اغلب کارآفرینان معتقدند که از شکست‌های خود بیشتر از موفقیت‌های خود درس آموخته‌اند.

10. توانایی ساخت تیم‌های کاری: میل به استقلال، رغبت کارآفرین را نسبت به ایجاد ساختار کارگروهی مسدود نمی‌کند. بسیاری از کارآفرینان توانایی بالایی دارند. آنها می‌توانند انگیزه تیم را به شدت قوی کرده تا به خوبی رشد کند و افراد تیم بتوانند افکار خود را توسعه دهند. روح یگانگی، ارزش‌ها، باورهای مشترک و امیدی که کارآفرین در تیم ایجاد می‌کند، باعث می‌شود، تیم توانایی آن را پیدا کند که بتواند به تنهایی وارد چالش‌های کاری شود.

راهکارهای موفقیت در کارآفرینی

می‌بینیم که کارآفرین بودن و افرادی که در طول تاریخ کارهای بزرگی آفریده‌اند، شخصیت‌هایی شبیه ما داشته‌اند با این تفاوت که آنها این جسارت را داشته‌اند که تغییرات جدی در وضعیت موجود ایجاد کنند. در زیر راهکارهای موفقیت در کارآفرینی مطرح شده است:

اهداف خود را تعیین کنید

عادت کنید که هدف مشخص داشته باشید. وقتی بدانید چه می‌خواهید، زودتر به آن چیز می‌رسید و به یاد داشته باشید که زندگی‌تان را خود بسازید. در تعیین اهداف نکات زیر را رعایت کنید: واقع‌بین باشید، نقاط ضعف و قوت خود را بدانید و از حمایت‌ها و موانع موجود در محیط آگاه باشید. متکی به خود باشید. هدف خود را چیزی قرار ندهید که برای دستیابی به آن به افراد بسیار و شرایط خاص وابسته باشید. اهدافی را که به نظرتان مهم است و می‌توانید به بهترین

شکل اجرا کنید، انتخاب کنید. بر اهداف مثبت تمرکز داشته باشید و سعی کنید به فکر اهدافی باشید که به جای توقف و خودداری از انجام کارها، شما را به جایی رسانده و موجب دستیابی به چیزی شوند.
پس از تعیین اهداف این نکات را به یاد داشته باشید:

1- عملکرد خود را همواره بازبینی کنید و این که آیا طبق برنامه زمانی به سمت هدف پیش می‌روید.
2- از اشتباه‌های خود درس بگیرید و سعی کنید در عرصه‌های شکست خورده، وضعیت خود را بهبود بخشید و چنانچه در این وضعیت نتایج مطلوبی به دست نیاورید، به آغاز برگردید و اهداف خود را مورد مطالعه قرار دهید و سعی کنید، در عقاید خود واقع‌بین‌تر باشید.

3- اگر بهره‌وری ندارید، تغییرات را قبول کنید. از تغییرات نترسید و از آن برای رسیدن به اهداف مشخص‌تر استفاده کنید.

4- اگر محیط اطراف را عامل موفق نبودن خود می‌دانید، آن را تغییر دهید و اگر قابل تعویض نیست، سعی کنید محیطی را انتخاب کنید که مطلوب‌تر باشد.

به خود ایمان داشته باشید

باور کنید که می‌توانید به اهداف خود برسید. برای توانایی در انجام کارها باید اعتقاد داشته باشید که هیچ کس جز شما قادر به انجام آن کار نیست. برخی روش‌ها که اعتماد به نفس شما را افزایش می‌دهند، عبارتند از الف- خود را دقیق‌تر بشناسید و نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کنید.

ب: به طور واقع‌بینانه ویژگی‌های خود را بنگرید. توانایی‌های خود را دست کم نگیرید و نظرتان را با دیگران مقایسه کنید.
پ: از دوستان و آشنایان نظرخواهی کنید و جویا شوید، چرا برخی از افراد تمایل به دوستی و کار با شما ندارند. نقاط قوت خود را مشخص کرده و با انتخاب فعالیت‌ها و اهدافی که به سود شما باشند نقاط ضعف خود را پنهان کنید. شما می‌توانید پروژه‌هایی را انتخاب کنید که برای خلاقیت به شما آزادی عمل می‌دهند. از ظرفیت خود تا جای امکان استفاده کنید.

از نظر جسمانی مراقب خود باشید تا در انظار خوب دیده شوید. اگر ظاهر خوبی داشته باشید درباره خودتان احساس خوبی خواهید داشت. یکی از لازمه‌های اعتماد به نفس در رسیدن به اهداف، همین است.

از وقت خود خوب استفاده کنید

عادت کنید از وقت خود به طور موثر استفاده کنید. نکات زیر برای استفاده بهینه از زمان، باید مورد توجه قرار گیرد:
1 - کار و زمان را تجزیه و تحلیل کنید. به مدت یک هفته چگونگی استفاده از وقت خود را ثبت کنید. با پرکردن یک جدول ساده می‌توانید زمانی را که صرف فعالیت‌های خود نظیر مطالعه، استحمام، گفت‌وگوی تلفنی یا تماشای تلویزیون کنید.

2 - اولویت‌ها را بشناسید و بدانید چه کاری می‌خواهید انجام دهید از این رو، وقتتان صرف فعالیت‌های غیرضروری نخواهد شد.

3 - کار خود را طبق یک برنامه تنظیم شده روزانه انجام دهید و برنامه‌های هر روز را مشخص کنید. بهترین زمان برای انجام این کار، قبل از خواب است.

4 - درباره کارهایتان از قبل فکر کنید تا سر موقع از خواب بیدار شده و کارهای خود را روی برنامه انجام دهید.

5 - کارهایی که باید انجام شود در سررسید خود یادداشت کنید. کارها را یکی یکی انجام داده و روی آن تمرکز کنید. وقت خود را تلف نکنید و سعی کنید وقفه‌ای در کارتان ایجاد نشود.

6 - متکی بر خود باشید. هیچ کس جز شما برای اتفاقاتی که در زندگی شما می‌افتد، مسوول نیست. کار را به خاطر لذت بردن از آن انجام ندهید، بلکه سعی کنید لذت بردن از کار را در خود تقویت کنید هر کاری که می‌خواهد باشد انجام دهید.

7 - اول کارهای مشکل را انجام دهید. چرا که توانایی شما در آغاز بیشتر است.

8 - اهل عمل باشید و تا می‌توانید به میزان زیادی از فشار روحی موجود بکاهید و تمرکز خود را بر کارهایی که در حال انجام است هدایت کنید. مشاهده نتایجی که از تلاش خود به دست آورده‌اید. نیروی مضاعفی برای اتمام کار به شما می‌دهد.

9 - میز تحریر خود را منظم نگه دارید، همه چیز را در پرونده‌های مرتب قرار داده و وسایل اضافه را دور بریزید.

10 - وقت خود را بیش از اندازه در جلسات و ملاقات‌ها و با دوستان هدر ندهید. از شایعه پراکنی و گفت‌وگوهای بیهوده خودداری کنید.

11 - یک پایان دهنده باشید. شروع کردن کارها خیلی ساده است اما پایان دادن آنها نیازمند تلاش زیادی است.

12 - در موقع کار آرامش داشته باشید، با سرعتی مناسب کار کنید تا مجبور نباشید با انفجار و پرش‌های ناگهانی انرژی کار خود را انجام دهید.

یک برنده باشید

افرادی که شکست می‌خورند، از انجام بسیاری کارها می‌ترسند، همیشه شکایت می‌کنند و ناراحت هستند. آنها احساس می‌کنند قربانیان همیشگی هستند. اما شما باید متفاوت باشید. سعی کنید در طول زندگی یک برنده باشید. مثبت فکر کنید و افکار بزرگ در سر داشته باشید. در مورد اهداف خود اطلاعات کسب کنید تا بتوانید به نفع خود از آنها بهره‌برداری کنید.

یک رهبر باشید

رهبری را بیاموزید و مسوولیت گروه خود را برای انجام اهداف در نظر بگیرید. تصمیم‌های خود را مصرانه و با اعتماد به نفس بگیرید. صفات و ویژگی‌های رهبری مناسب را در خود ایجاد کنید. کار کردن با افراد را بیاموزید، سعی کنید شنونده خوبی باشید و به خوبی ارتباط برقرار کنید.

خلاق باشید

اگر از وقت خود عاقلانه استفاده کنید، زمان بیشتری برای خلاقیت خواهید داشت. وقتی کارهایتان تمام شد زمانی را برای توسعه و اجرای عقاید خود در نظر بگیرید. برای این کار باید بر علم خود بیفزایید، با دیگران تبادل نظر کنید، در مجامع و جلساتی که با رشته کاری شما مرتبط است حضور یابید مهارت‌های شنیداری خود را بالا ببرید رویاپردازی کنید و در صدد باشید ایده‌ای نو در زمینه کاری‌تان ایجاد کنید.

اگر می‌خواهید خود کارآفرین باشید و در واقع دوست داشته باشید خودتان شغلی را رهبری کنید و از به اصطلاح «آقا بالاسر» رهایی یابید، از این رو بهتر است با آگاهی کامل از شرایط و ضرورت‌های کارآفرینی، دست به این اقدام بزنید.

به نقل از روزنامه بازار کار